

# از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور نگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- گسترش کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته هشتاد و سوم به ۵۰ زندان مختلف
- پیوستن زندان دهم‌دشت به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»
- ادامه اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی نسبت به اعدام ها با تجمع همزمان با هشتاد و سومین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»
- در چهارمین دوشنبه اعتراضی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت نسبت به تعیین سقف حقوق در شرکت نفت فلات‌قاره در منطقه بهرگان
- شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه سوم
- هم تجمع برگزار شد
- چهارمین سه شنبه اعتراض خانواده‌گی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت نسبت به تعیین سقف حقوق باراهپیمایی در شهرک نفت جم و برپایی تجمع مقابل فرهنگسرای توحید ،استان بوشهر و سردادن شعار «شعار صنفی ما عدالت عدالت مجلسی وزارت خجالت خجالت»
- تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نسبت به عدم پاسخگویی مطالبات برای دومین روز متوالی

- تجمع اعتراضی کارگران پست‌های فشار قوی برق کشور نسبت به عدم پرداخت فوق‌العاده خاص مقابل سازمان اداری استخدامی در تهران

- تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروپالایش دهلران و دشت عباس مقابل ورودی شرکت

- ادامه دوشنبه اعتراضی بازنشستگان صدا و سیما نسبت به سطح پایین حقوق و عدم همسان سازی و وعده های توخالی با تجمع مقابل ساختمان این سازمان در تهران

- ادامه یکه تازی کارفرمایان زیر سایه بی خیالی مصلحتی صاحب منصبان:

1- در نوزدهمین روز اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی، سه کارگر معترض دیگر از ورود به شرکت منع شدند

2- اخراج کارگر حق کارخانه آب معدنی داماش پس از ضرب و شتم توسط کارفرما

3- اخراج 25 کارگر حق طلب پروژه بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر

- آخرین خبرها درباره وضعیت دردناک کارگران مصدوم فاجعه انفجار معدن معدنجوی طیس یک‌سال بعد از حادثه

- ادامه اعتراضات به بی برقی، بی آبی و بی اینترنتی در کشور با

1- راهپیمایی و تجمع شبانه جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق و آب در خوابگاه دخترانه ارم و سردادن شعارهای «دانشجو داد بزن حق‌تو فریاد بزن»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» و «آب برق زندگی حق مسلم ماست»

2- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی نجف آباد مقابل اداره برق این شهر در اصفهان با شعار «آب برق زندگی حق مسلم ماست»

- ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به پلاتکلیفی و افزایش قیمت با تجمع متقاضیان مسکن ملی استان چهارمحال و بختیاری مقابل اداره کل راه و شهرسازی برای چندمین بار

- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی بلوار امیرکبیر شوشتر نسبت به عدم اجرای پروژه فاضلاب شهری مقابل اداره آب و فاضلاب

- دومین روز اعتراض مال‌باختگان گلباران دزفول در تهران با تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه

- دومین روز تجمع اعتراضی مال‌باختگان پروژه مسکن حکیم در تهران

- تجمع اعتراضی خریداران شرکت معین خودرو خودرو نسبت به پلاتکلیفی و عدم تحویل خودروهایشان مقابل وزارت صمت

- تجمع اعتراضی جمعی از ثبت‌نام‌کنندگان خودرو تیوولی شرکت رامک خودرو نسبت به پلاتکلیفی 8 ساله و عدم تحویل خودروهایشان

- تجمع اعتراضی خریدارن کوشا خودرو نسبت به بلاتکلیفی و عدم تحویل خودروهایشان

- کانون نویسندگان ایران:

بازداشت احسان رستمی، مرجان اردشیرزاده، حسن توزندهجانی، رامین رستمی و نیما مهدی زادگان

- جان باختن یک کارگر شرکت در ریز پالایشگاه جنوبی بر اثر سقوط از ارتفاع

\*\*\*\*\*

\*گسترش کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته هشتاد و سوم به ۵۰ زندان مختلف

پیوستن زندان دهدشت به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»

در ایران تحت حاکمیت ولایت فقیه ماشین اعدام همچنان بی‌رحمانه قربانی می‌گیرد. تنها در ماه مرداد، ۱۶۶ تن به دار آویخته شدند؛ و در هفته گذشته، ۳۱ تن از هموطنان ما، از جمله یک زن اعدام شدند، و دو تن از قربانیان در کردکوی و بیرم لارستان در ملا عام حلق آویز شدند. حکومت اعدامی قصد دارد با تحقیر و عادی‌سازی خشونت، جامعه را در وحشت فرو برد.

طبق اخبار رسیده جمعی از زندانیان زندان دهدشت در هفته هشتاد و سوم به «کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوستند؛ افزودن نام زندان دهدشت به فهرست این کارزار یادآور این حقیقت تلخ است که هیچ گوشه‌ای از ایران از سایه اعدام در امان نمانده است.

همزمان با خشم به خبر تکان‌دهنده دیگری می‌نگریم: تبدیل قطعه ۴۱ بهشت زهرا (قطعه‌ای که یادآور هزاران زندانی سیاسی دهه ۶۰ و جنایت‌های فراموش‌نشده آن سال‌هاست) به پارکینگ؛ اقدامی که نه تنها تلاشی شرم‌آور برای پاک کردن حافظه جمعی و آثار جنایت‌های حکومتی است، بلکه بی‌حرمتی آشکاری به قربانیان و خانواده‌هایشان محسوب می‌شود، امری که از سوی عفو بین‌الملل نیز محکوم شده است.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» بار دیگر فریاد می‌زند:

اعدام راحل نیست؛

اعدام نقض آشکار حق حیات است؛

اعدام ابزاری برای ایجاد رعب و تثبیت سرکوب سیاسی است.

این کارزار از همه نهادهای بین‌المللی، فعالان حقوق بشر و همه وجدان‌های بیدار می‌خواهد که در برابر این چرخه مرگ بایستند و اعتراض مردم ایران علیه اعدام را بازتاب کنند.

«کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته هشتادوسوم روز سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۴ در ۵۰ زندان زیر در اعتصاب غذا می‌باشد:

زندان اوین، زندان قزلحصار (واحد ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان خرم آباد، زندان یاسوج، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیپان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بند زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل آباد شیراز (بند زنان و مردان)، زندان فیروزآباد فارس، زندان زاهدان (بند زنان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان یزد، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مشهد، زندان گنبدکاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بند مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبیرم لاهیجان، زندان دیزل آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران و زندان دهدشت

هفته هشتادوسوم

۴ شهریور ۱۴۰۴

#کارزار\_سه‌شنبه‌های\_نه\_به\_اعدام

**\*ادامه اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی نسبت به اعدام ها با تجمع همزمان با هشتاد سومین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 4 شهریور همزمان با هشتاد سومین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، از ادامه اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی نسبت به اعدام ها با تجمع، خبر می دهد.

**\*در چهارمین دوشنبه اعتراضی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت نسبت به تعیین سقف حقوق در**

**شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان**

**شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه سوم**

**هم تجمع برگزار شد**



سقف پادشاهی  
بازنشستگی  
=  
حسرت یک عمر  
پوشش بر کار خانواده  
خانواده

سقف ناعادلانه  
حقوقي  
=  
ناپودي اعياد  
خانواده

براي پايه افشاري كاملاً مناسب و خنجر همگي كاركنان عملياتي در خنجر مقدم توليد،  
تبعيض ظالمانه در تفكيك كاركنان به نيروي هاي اصلي تخصصي و پيشيني عدولي  
«حظر ترزه چنان كاركنان مناطق صحنه اي»

**مطالبات كاركنان صنعت نفت**

- ۱- حذف كامل سقف حقوق كاركنان
- ۲- حذف كامل سقف بازنشستگي و پرداخت كامل سنوات كاركنان
- ۳- مرجوع نمودن ماليات هاي اخذ شده براساس قوانين رايج موجود
- ۴- اجراي كامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات
- ۵- عدم ادغام صندوق بازنشستگي با ساير صندوق هاي ورشكسته

كاركنان شركت نفت تلات قاره منطقه پير تان  
«ما تا آخر ايستاده ايم»



**\*چهارمین سه شنبه اعتراض خانوادگی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت نسبت به تعیین سقف حقوق باراهپیمایی در شهرک نفت جم و برپایی تجمع مقابل فرهنگسرای توحید ،استان بوشهروسردادن شعار«شعار صنفی ما عدالت عدالت مجلسی وزارت خجالت خجالت»**

روزسه شنبه 4 شهریوربرای چهارمین هفته متوالی،اعتراض خانوادگی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت نسبت به تعیین سقف حقوق با راهپیمایی در شهرک نفت جم و برپایی تجمع مقابل فرهنگسرای توحید ،استان بوشهروسردادن شعار«شعار صنفی ما عدالت عدالت مجلسی وزارت خجالت خجالت» ادامه پیدا کرد.



## \*تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نسبت به عدم پاسخگویی مطالبات برای دومین روز متوالی

روز سه شنبه 4 شهریور برای دومین روز متوالی، کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نسبت به عدم پاسخگویی مطالبات دست به تجمع زدند و خواهان حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده 10 قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، پرداخت بک- پی ماده، عدم تفکیک 3 گانه مشاغل عملیاتی، بازنگاری اساسنامه‌ی تحمیلی صندوق بازنشستگی و... شدند.



## **\*تجمع اعتراضی کارگران پست‌های فشار قوی برق کشور نسبت به عدم پرداخت فوق‌العاده خاص مقابل سازمان اداری استخدامی در تهران**

روز سه شنبه ۴ شهریور، کارگران پست‌های فشار قوی برق کشور برای اعتراض به عدم پرداخت فوق‌العاده خاص مقابل سازمان اداری استخدامی در تهران تجمع کردند.



نمایندگان کلامزدها در ارتباط با دلایل اعتراض امروز به خبرنگار رسانه ای گفتند: مطابق جز ۳ بند (ب) ماده ۱۰۶ قانون برنامه پنجساله هفتم مصوب ۲۱/۰۲/۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی، پرداخت آئتم فوق‌العاده خاص جهت نگهداشت و ایجاد انگیزه برای مشاغل تخصصی و در کل کارکنان دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی به میزان حداکثر ۲۵ هزار امتیاز تصویب و توسط ریاست مجلس شورای اسلامی مطابق نامه شماره ۲۰۸۸۱/۲۹۶ مورخ ۱۰/۰۳/۱۴۰۴ به دولت ابلاغ شد.

آن‌ها افزودند: در ابتدا شورای حقوق و دستمزد در ماده ۵ پیش نویس اعلام کرد پرداخت معادل ریالی ۲۵ هزار امتیاز به کارکنان موضوع ماده ۱۲۴ و تابع قانون کار شاغل در دستگاه‌های دولتی به شرط داشتن قرارداد مستقیم با دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و طرح طبقه بندی مصوب سازمان بلامانع است اما در کمال ناباوری و مخالف مصوبه مجلس در رابطه با ماده ۱۰۶ قانون پنجساله هفتم، کلمه کارکنان که عام است و شامل کلیه کارکنان دولت اعم از کارمند و کارگر می‌شود را فقط کارمندان رسمی و پیمانی و قرارداد کار معین تعریف کردند.

اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق ادامه دادند: در نتیجه ما کارکنان موضوع ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری که اتفاقاً به صورت شیفیتی و شبانه روزی در حال بهره برداری از پست‌های فشارقوی برق در ۱۲ ماه سال و بدون بهره مندی از حتی یک ساعت کاهش ساعات ادارات و

دورکاری و تعطیلات، در هر شرایطی به عنوان تخصصی‌ترین بخش وزارت نیرو و شرکت توانیر در پستهای فشارقوی برق کشور مشغول به کار هستیم، به طور کلی حذف شدیم.

این کارگران دولت خواسته‌های خود را مطرح کردند: ما خواستار تحقق مصوبه مجلس شورای اسلامی در رابطه با جز ۳ بند(ب) ماده ۱۰۶ قانون پنجساله هفتم و پرداخت آئیم فوق العاده خاص هستیم؛ ما هیچ خواسته‌ای فراتر از قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در رابطه با برنامه پنجساله هفتم نداریم.

#### **\*تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروپالایش دهلران و دشت عباس مقابل ورودی شرکت**

تصاویر منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 4 شهریور، از تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروپالایش دهلران و دشت عباس مقابل ورودی شرکت در گرمای طاقت‌فرسای 60 درجه، خبر می دهند.



**\*ادامه دوشنبه اعتراضی بازنشستگان صدا و سیما نسبت به سطح پایین حقوق و عدم همسان سازی و وعده های توخالی با تجمع مقابل ساختمان این سازمان درتهران**

فیلم کوتاه منتشره در شبکه های اجتماعی، از ادامه دوشنبه اعتراضی بازنشستگان صدا و سیما نسبت به سطح پایین حقوق و عدم همسان سازی و وعده های توخالی با تجمع روز دوشنبه 3 شهریور، بازنشستگان صدا و سیما مقابل ساختمان این سازمان درتهران (مسجد بلال)، خبر می دهد.

**\*ادامه یکه تازی کارفرمایان زیر سایه بی خیالی مصلحتی صاحب منصبان:**

**1- در نوزدهمین روز اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی، سه کارگر معترض دیگر از ورود به شرکت منع شدند**

در نوزدهمین روز اعتصاب کارگران ارکان ثالث (پیمانکاری) شرکت پتروشیمی رازی، مسئولین حراست این شرکت امروز سه شنبه چهارم شهریور، در اقدامی غیر قانونی و با هدف در هم شکستن اعتصاب، از ورود سه کارگر معترض دیگر به شرکت به نامهای سعید بازدار، میثم باقری و فاضل سعدونی ممانعت کردند.

پیش تر نیز جواد راشدی و احمد عساکره از کارگران اعتصابی این شرکت، علاوه بر بازداشت و تحمل پنج روز حبس، از ورود به شرکت منع شده بودند و اینک با ممنوع الوردی سه کارگر دیگر به شرکت، جمع آنها به پنج نفر رسید.

اقدامات غیر قانونی و سرکوبگرانه مسئولین پتروشیمی رازی علیه کارگران معترض و حق طلب این شرکت در حالی تشدید میشود که اداره کار و فرمانداری ماهشهر، هیچ اقدامی جهت رسیدگی به خواستهای کارگران انجام نمیدهند و با قرار گرفتن در کنار کارفرمای ترکیه ای این شرکت، در صدد در هم شکستن اعتصاب کارگران و تحمیل بی حقوقی بر آنان هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

**2- اخراج کارگر حق کارخانه آب معدنی داماش پس از ضرب و شتم توسط کارفرما**

من را از کارخانه بیرون کردند؛ از روز اول، خواستهام پرداخت حق بیمه بود که به خاطر آن به من اهانت کردند و من را مورد ضرب و شتم قرار دادند، هنوز هم حق بیمهام واریز نشده؛

وضعیت در کارخانه «آب معدنی داماش گیلان» اصلاً مساعد نیست؛ کارگران معوقات مزدی دارند؛ در سال جدید فقط یک ماه حق بیمه به حساب تامین اجتماعی واریز شده و حدود 30 کارگر این کارخانه نگران آینده هستند.

در این بین، وضعیت «رضا زارع» کارگری که چند هفته پیش از سوی کارفرما مورد ضرب و شتم واقع شده، به مرحله ای نگران کننده رسیده؛ هیچ یک از رایزنی ها، گفتگوها و ثبت شکایات تا امروز به نتیجه نرسیده؛ حتی باز شدن پای بازرسان اداره کار به این واحد تولیدی، نتوانسته مشکل کارگران داماش در حالت کلی و به طور خاص مشکل آقای زارع را حل کند.

در روزهای گذشته، بعد از چندین روز التهاب و نگرانی، این کارگر را که پیش از آن مورد ضرب و شتم عوامل کارفرما قرار گرفته بود، از کارخانه بیرون انداختند؛ به او گفتند دیگر حق نداری پا به کارخانه بگذاری؛ او در حال حاضر بیکار است و این در حالیست که قرارداد این کارگر تا پایان شهریور است و بیرون کردن اجباری او از محل کار، مصداق روشن قدرت‌نمایی کارفرما و اخراج ظالمانه‌ی کارگر است.

این کارگر که از یکسو به اداره کار شکایت برده و از سوی دیگر شکایت خود را در دادگاه‌های قضایی بابت ضرب و شتم و رفتار نادرست کارفرما به ثبت رسانده، حالا بیکار و بلا تکلیف است و چون قدرت ندارد و پشتش به حمایت اصحاب قدرت گرم نیست، صدایش به هیچ جا نمی‌رسد!

زارع بعد از مدت‌ها که به امید گشایش کار و ترس از آینده ساکت مانده، حالا به ما می‌گوید:

من را از کارخانه بیرون کردند؛ از روز اول، خواسته‌ام پرداخت حق بیمه بود که به خاطر آن به من اهانت کردند و من را مورد ضرب و شتم قرار دادند، هنوز هم حق بیمه‌ام واریز نشده؛ از ابتدای امسال فقط یک ماه حق بیمه کارگران آب معدنی داماش به حساب تامین اجتماعی واریز شده...»

او ادامه می‌دهد: در حالیکه سنوات و حقوق و مزایا از کارفرما طلب‌کارم، مرا بدون بیمه از کارخانه بیرون انداخته‌اند. هفته پیش برای درمان بیمارستان رفتم چون بیمه نداشتم، به جای 500 هزار تومان، سه چهار میلیون خرج کردم، قرض کردم و خرج درمان دادم....

رضا زارع از شکایت خود در دادگاه می‌گوید و اضافه می‌کند: این مسیر، مسیری طولانی‌ست؛ می‌گویند باید ماجرای ضرب و شتم و درگیری را بررسی کنیم. کارفرما سر جایش نشسته و کسی کاری به کارش ندارد. این منم که ناخواسته بیکار شده‌ام و دستم به جایی بند نیست.

کارگران به بهانه‌های مختلف از جمله خراب بودن وضع اقتصادی و پایین آمدن تولید و یا نداشتن عملکرد و کارایی بیکار می‌شوند؛ اما برای اخراج کارگران معترض منتظر هیچ بهانه‌ای نمی‌مانند؛ چندین انگ همزمان به پیشانی کارگر می‌چسبانند و او را از کارخانه بیرون می‌اندازند.

سرنوشت دردناک رضا زارع نشانه‌ای روشن از بالاترین سطح بی‌حقوقی طبقه کارگر است؛ او امروز در بدترین وضعیت ممکن است و نکته اینجاست که وقتی کارگران حق تشکلیابی و اتحاد ندارند و همگی با قراردادهای موقت زجر می‌کشند، کارگر مظلوم تنها می‌ماند چون همکارانش کلاه خود را می‌چسبند تا باد بیکاری و اخراج سر و کلاه را با هم نبرد؛ کارگران مجبورند که به کار خود بچسبند و چشم بر حقیقت ببندند....

همه اتفاقات دردناک در عرض چند هفته در یک واحد تولیدی کشور رخ داده؛ حالا کارگری که مورد ظلم واقع شده، کفش آهنین به پا کرده و راه دادگاه و کلانتری را در پیش گرفته و ظاهراً همه چیز باز هم در دست بررسی است! اما تا زمانی که کارگران قدرت و تشکل ندارند و مجبور به فروش نیروی کار خود با شرایط دلبخواه کارفرمایان و صاحبان ثروت هستند، این اتفاقات دردناک همیشه و همه جا باز تکرار می‌شوند.

استدلال غالب مسئولان این است که کارفرمایان مشکل دارند، تولید کم است، پول نیست و ... اما آیا کارگری که خرج درمان و بیمارستان و پول کرایه خانه‌اش را ندارد و به جرم مطالبه‌ی حق، پشت درهای کارخانه مانده، نیازی به حمایت ندارد؟ باید به امان خدا رها شود؟!

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 4 شهریور

### **3- اخراج 25 کارگر حق طلب پروژه بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر**

25 کارگر حق طلب پروژه بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر(شرکت ساختمانی وزان)بدنبال اعتصاب وتجمع دراعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق+ از کار اخراج شدند.

### **+اعتصاب وتجمع کارگران پروژه بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر دراعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق**

روز دوشنبه 6 مرداد، کارگران پروژه بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر(شرکت ساختمانی وزان) برای اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق دست از کارکشیدند ودراین مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی استان سیستان وبلوچستان تجمع کردند.

یکی از این کارگران به خبرنگار رسانه ای گفت: کارگران این پروژه عمرانی که سالهاست در ساخت بیمارستان 540 تختخوابی ایرانشهر مشغول به کارند، به دلیل دریافت نکردن چندین ماه حقوق، با مشکلات بسیار دست و پنجه نرم می‌کنند .

وی افزود:پیمانکار پروژه می‌گوید که به دلیل عدم تامین اعتبار، از پرداخت دستمزد و سایر مطالبات مزدی کارگران ناتوان است این در حالیکه کارگران اعتقاد دارند کارفرمای پیمانکار مطالبات خود را از کارفرمای اصلی وصول کرده است.

### **\*آخرین خبرها درباره وضعیت دردناک کارگران مصدوم فاجعه انفجار معدن معدنجوی طبس یکسال بعد از حادثه**

اواسط شب 31 شهریورماه 1403، تجمع گاز متان در بلوک «سی» معدن معدنجوی طبس و نشست آن به بلوک «بی»، جان 53 کارگر را گرفت و 14 مصدوم به‌جا گذاشت. استنشاق طولانی‌مدت گاز منوکسیدکربن باعث شد تعدادی از کارگران دچار کمبود اکسیژن (هیپوکسی مغزی) شوند. مهدی علیزاده و علیرضا کده‌ای؛ دو کارگری بودند که حالا با عوارض دائمی هیپوکسی مغزی زندگی می‌کنند .

صدای انفجار معدن معدنجو هنوز هم شنیده می‌شود؛ در گوش کارگرانی که دیگر به زندگی عادی برنگشتند، در ریه‌هایی که با تنگی نفس به زندگی ادامه می‌دهند. یک ماه مانده به سالگرد انفجار معدن طبس، نتیجه رسیدگی به پرونده متهمان آن اعلام شد و براساس رأی صادره، یکی از متهمان به پرداخت معادل 20 درصد دیه کامل در حق اولیای‌دم محکوم شد و هر پنج متهم هم از جنبه عمومی جرم به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شدند.

آن شب هولناک اما برای مصدومان آن هنوز ادامه دارد؛ برای مهدی علیزاده و علیرضا کدهای که دیگر به زندگی عادی برنگشتند، برای محمد «ب» که بیکار شده است، برای مجتبی حسن‌پور که ترس از کار در معدن او را خانه‌نشین کرد و برای حسن قلی‌نژاد که نیمی از بدنش هنوز زیر فشار کاری بی‌حس می‌شود. آنها می‌گویند، با وجود اینکه همان ماه‌های اول بعد از حادثه در شهرشان شکایتی ثبت کرده‌اند، هنوز خبری از رسیدگی و نتیجه آن نیست و میزان دیه احتمالی و نتیجه نظر نهایی پزشکی‌قانونی مشخص نشده است. تا امروز هیچ‌کدام از مصدومان این حادثه، به‌کار در معدن برنگشته‌اند.

بنابه گزارش رسانه ای شده، پزشک درمانگر مهدی علیزاده، در بیمارستان ثامن‌الائمه مشهد در آخرین ویزیت به همسرش گفته بود: «سلول‌های مغزش از کار افتاده است.» تعبیری ساده برای نشان‌دادن تاثیر طولانی‌مدت استنشاق گاز متان و منوکسیدکربن. حالا یک سال از انفجار گذشته است و مهدی هنوز هم همسر و فرزندانش را نمی‌شناسد و زندگی روزمره‌اش بدون حضور همسرش، پیش نمی‌رود. او نام بیماری‌اش را نمی‌داند فقط می‌داند که «اکسیژن به مغز مهدی نرسیده و سلول‌هایش آسیب دیده است.»

حالا مهدی می‌تواند صحبت کند و نام‌اش را به یاد آورد، اما گاهی نام فاطمه دختر کوچک‌اش را از یاد می‌برد و همسرش را به نام «حمید» می‌شناسد. کارهای شخصی و روزمره حتی حمام را به کمک همسرش انجام می‌دهد و زمانی که دخترش با او صحبت می‌کند، خشمگین می‌شود. مهدی مدام از همسرش غذا می‌خواهد؛ حتی اگر سیر باشد، حتی اگر تازه غذایش را تمام کرده باشد، انگار دیگر نمی‌داند سیر است یا گرسنه؟ مهدی موقعیت‌های عادی یک زندگی را فراموش کرده است.

تنها داروی تجویزی برای او، قرص‌های آرامبخش است و همسرش کم‌کم مطمئن شده که وضعیت مهدی دیگر تغییر نمی‌کند، چون پزشکان سال قبل به او گفته بودند اگر قرار باشد بهبود پیدا کند، تا یک سال دیگر یعنی حوالی مهرماه امسال این اتفاق می‌افتد؛ پاییز که از راه برسد یک سال تمام می‌شود اما خبری از بهبود در شرایط مهدی نیست. او کارگر بخش استخراج معدن بود؛ اهل «انابد» بردسکن، با پسرهای 18 و 13 ساله و یک دختر 12 ساله. بعد از انفجار حدود دو هفته در طبس بستری بود و بعد به بیمارستان قائم مشهد اعزام شد. بعد از دو هفته درمان در این بیمارستان، به خانه برگشت و طی کردن راه اناربد به کاشمر برای ویزیت پزشک مغز و اعصاب آغاز شد. پزشکان هنوز هم برای او داروی آرامبخش تجویز می‌کنند؛ «چون خیلی سروصدا می‌کند.» این را همسرش به هم‌میهن می‌گوید: «مهدی هنوز مثل یک مرده متحرک است.»

همسرش تعریف می‌کند که مسئولان معدن روزهای اول حادثه پیگیر احوال مهدی بودند و به آنها سر می‌زدند. آنها به خانواده قول داده بودند که تا هروقت مهدی زنده است، هوایش را دارند و ماهیانه 15 میلیون تومان به حساب‌اش واریز می‌کنند، اما بعد از پیگیری‌های مکرر خانواده: «خودشان تا الان که ریخته‌اند، اگر سر حرف‌شان تا آخر بمانند.» غیر از حقوق ماهیانه، دولت خانه‌ای به خانواده علیزاده اختصاص داده است که پرداخت اقساط آن از دوسال بعد از تحویل آن آغاز می‌شود و حالا همسر او نگران پرداخت همین اقساط هرچند اندک است.

او تعریف می‌کند که هنوز دیه‌ای برای مهدی مشخص نشده است. خانواده مصدومان مثل خانواده علیرضا، وکیلی برای پیگیری پرونده خودشان ندارند و هرکدام جداگانه آن را پیگیری می‌کنند. همسر مهدی تعریف می‌کند که همان ماه‌های اول بعد از انفجار، آنها جداگانه شکایت خودشان را در بردسکن ثبت کرده‌اند، اما بعد از یک‌سال هنوز به دادگاه فراخوانده نشده است.

#### پایان زندگی مشترک علیرضا

زندگی علیرضا کده‌ای هم بعد از انفجار معدن به‌شکلی دیگر پیش رفت. او هشت‌ساعت بعد از حادثه پیدا شد و همان‌زمان تشخیص پزشکان برای او، هیپوکسی مغز (کمبود اکسیژن) بود. علیرضا همان‌زمان برای درمان به یزد ارجاع داده شد و یک‌هفته در بخش آی‌سی‌یو و یک‌هفته در بخش بستری ماند. آن هشت‌ساعت درگیری و استنشاق گاز باعث شد حافظه علیرضا از دست برود. آسیب استنشاق طولانی‌مدت گاز آنقدر بالا بود که دیگر نمی‌توانست کارهای روزمره را به‌تنهایی انجام دهد. همسرش تنها راه ارتباط با او بود، اما از اسفندماه به‌بعد که خانواده علیرضا تصمیم گرفتند او و همسرش را از هم جدا کنند، دیگر خبری از وضعیت او در دسترس نیست.

«زندگی‌مان خراب شد، آشیانه‌ای که داشتیم، خراب شد.» همسر جوان علیرضا این را از پشت تلفن می‌گوید که خودش در زهک است و همسرش زابل، در خانه خواهرانش. بیماری علیرضا منجر به اختلافات خانوادگی شد و حالا همسر او تعریف می‌کند: «همسر را برده‌اند، طلاق نگرفته‌ایم ولی ما را از هم جدا کرده‌اند. همسر مدام می‌آید تا دم خانه تا من را ببیند، اما باز هم خانواده‌اش او را با خود می‌برند. تا اسفندماه که خانه خودمان بود، حالش بهتر شده بود، اما حالا شنیده‌ام که او را هرازگاهی در بیمارستان روانپزشکی بستری می‌کنند.»

علیرضا تا اسفندماه وضعیت بهتری نسبت به روزهای بعد از انفجار داشت و می‌توانست کارهای شخصی‌اش را خودش انجام دهد، به‌تنهایی از سرویس بهداشتی و حمام استفاده کند و لباس پوشیدن‌اش درست شده بود: «دیگر قاطی لباس نمی‌پوشید. به او می‌گفتیم اگر می‌خواهی، می‌توانی به‌تنهایی به خانه پدری‌ات بروی اما پسر را برای مراقبت پشت‌سرش می‌فرستادم. راه را گم نمی‌کرد، بهتر شده بود، اما حالا از دیگران شنیده‌ام که او را می‌برند به بیمارستان روانپزشکی. شنیده‌ام قرار است برای او گواهی زوال عقل بگیرند که پدرش قیم او شود. حتی اجازه صحبت کردن هم با هم نداریم. روزی 100 بار زنگ می‌زند اما اجازه نمی‌دهند که با من صحبت کند. از مشهد و یزد برایش دارو می‌گرفتم، ولی الان خبری از او ندارم.»

همسرش تعریف می‌کند که علیرضا مثل بچه بود اما کاری نمی‌کرد که اذیت کند: «وضعیت حافظه‌اش 50-50 شده بود. حافظه کوتاه‌مدت‌اش کمی بهتر شده بود. سه ماه اول بعد از حادثه، برایش ماهیانه 10 میلیون تومان و بعد از آن ماهیانه 15 میلیون تومان واریز کردند و شب عید هم 10 میلیون تومان دیگر بابت عیدی پرداخت کردند اما از دیه او خبری نشده است، اگر خبری بود تماس می‌گرفتند.» او هم خبر حکم متهمان پرونده را شنیده است و می‌گوید، در این خبرها از 53 نفری که فوت شده بودند، نام بردند اما از مصدومان چیزی نگفتند.

آذرماه مسئولان معدن هم عیادت علیرضا آمده بودند و یکی از آنها به همسرش گفته بود که هرچه لازم بود به ما خبر دهید، ما برای مصدومان کوتاهی نمی‌کنیم: «تا اسفند او را ماه‌به‌ماه به دکتر

می‌بردم، برای حافظه‌اش هم به دکتر گفتم تا هروقت لازم است، برایش دارو تجویز کنید. اگر الان بود، دارو و درمان‌هایش حتماً تغییر کرده بود.»

دیگر به معدن برنمی‌گردم

مجتبی حسین‌پور، کارگر بخش ایمنی معدن هم هنوز نتیجه‌ای از شکایت خودش نگرفته است. او بعد از انفجار در معدن، بیهوش شده بود و سه تا چهار ماه تحت درمان بود و بعد از آن، دیگر به معدن برنگشت. بعد از این حادثه خانواده او با کار دوباره در معدن مخالفت کردند و حالا مجتبی زندگی را با بیمه بیکاری می‌گذراند. کارفرمایان معدن‌جو به مصدومانی که مرخصی استعلاجی‌شان تمام شده بود، گفته بودند یا باید به کار برگردید یا باید بیمه بیکاری بگیرید.

او تعریف می‌کند که فعلاً از نظر جسمی مشکلی ندارد، اما نتیجه دو سال کار در معدن و استنشاق گاز بعد از انفجار معدن، هنوز هم در ریه‌هایش باقی مانده است. در مدتی که تحت درمان بود، حقوق داشت و اوایل دوره درمان حدود 70 میلیون تومان به او پرداخت شده بود. او شنیده بود که قرار است به چهار تا پنج نفر از مصدومان خانه‌ای تعلق گیرد و به باقی آنها، کمکی کنند یا زمینی بدهند اما خبری نشده است. «دیگر نمی‌خواهم به معدن برگردم. خاصیت معدن این است که ریه‌ها را نابود می‌کند و بعد از آن حادثه هم بدتر شده است. ریه که دیگر برنمی‌گردد، همه کارگرها همین مشکل را دارند. تست ریه که انجام می‌دهیم، می‌گویند ریه‌هایتان آسیب دیده است.»

حسن قلی‌نژاد، کارگر مصدوم دیگر هم هنوز نتیجه‌ای از شکایت نگرفته است؛ او که ریه‌هایش بعد از انفجار درگیر شد و هنوز میزان دیه‌اش مشخص نشده است، حدود دو ماه بیکار بود و حالا مشغول نگهداری است. درمان ریه‌هایش یک‌ماه زمان برد و هنوز تنگی تنفس در ریه‌هایش مانده است: «وقتی کار می‌کنم و فشار زیادی به بدنم وارد می‌شود، نیمی از بدنم بی‌حس می‌شود.» او هم بعد از انفجار دیگر به معدن برنگشت. حسن 36 ساله با دو فرزند خود، ساکن بیرجند است و 10 سال سابقه کار در معدن دارد.

آنطور که پزشکی قانونی به او اعلام کرده، باید نتیجه آخرین معاینه در شهریورماه هم مشخص شود و بعد از آن روال قانونی پرونده و نظر نهایی پرونده، اعلام شود. حسن بعد از بستری‌شدن در بیمارستان، علاوه بر هزینه‌های درمانی، خسارتی از بیمه دریافت کرده است: «از وقتی هم شکایت کردم، گفتند شما شکایت کردی و انگار ما را کنار زدند.» مسئولان معدن تا ماه آبان و زمانی که درمان‌اش در جریان بود، وضعیت او را پیگیری می‌کردند و تا امروز با وجود گذشت یک‌سال، هنوز جلسه رسیدگی به شکایت او برگزار نشده است.

پرونده شکایت محمد «ب» هم هنوز به نتیجه نرسیده است و از روند آن، خبری ندارد. او ساکن دهستان خوسف بیرجند است و در بلوک «بی» و واحد تعمیرات معدن طبس کار می‌کرد. محمد بعد از حادثه، مدت کوتاهی به معدن برگشت، اما به‌دلیل حقوق پایین و نداشتن روحیه کار دوباره در معدن، تصمیم گرفت برای همیشه آن را رها کند.

در روزهای اول حادثه 75 میلیون تومان هزینه درمان و سه حقوق 10 میلیون تومانی به او پرداخت شد. کمیسیون پزشکی تامین اجتماعی به او گفته بود دیگر نمی‌تواند استعلاجی او را پس از پایان

درمان تایید کند. پرونده شکایت او هم مشروط به پیگیری پزشکی قانونی است و باید نامه‌ای به دادگاه ارسال و میزان مصدومیت‌اش مشخص شود. میزان دیه او - اگر تعلق بگیرد - با نامه پزشکی قانونی روشن می‌شود.

محمد هم به دلیل یک وام اشتغال پرداخت نشده، حتی نتوانست از بیمه بیکاری استفاده کند. او مدتی بعد از حادثه، به کار در اسنپ مشغول شد اما باز هم نتوانست ادامه دهد. این بار ماجرا یک سوء پیشینه قدیمی بود که مانع از ادامه کار او شد. کار در معدن و انفجار آن برایش شش درصد درگیری ریه و مشکل اعصاب و روان به جا گذاشته و هنوز هم داروهایی برای سردردهای شدیدش استفاده می‌کند؛ یک یادگاری دردناک از معدنجوی طبس.

#### **\*ادامه اعتراضات به بی برقی، بی آبی و بی اینترنتی در کشور با**

**1- راهپیمایی و تجمع شبانه جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق و آب در خوابگاه دخترانه ارم و سردادن شعارهای «دانشجو داد بزن حقتو فریاد بزن»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» و «آب برق زندگی حق مسلم ماست»**

فیلم های منتشره در شبکه های اجتماعی، از ادامه اعتراضات به بی برقی، بی آبی و بی اینترنتی در کشور با راهپیمایی و تجمع دوشنبه شب (3 شهریور) جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق و آب در خوابگاه دخترانه ارم و سردادن شعارهای «دانشجو داد بزن حقتو فریاد بزن»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» و «آب برق زندگی حق مسلم ماست»، خبر می‌دهند.

**2- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی نجف آباد مقابل اداره برق این شهر در اصفهان با شعار «آب برق زندگی حق مسلم ماست»**

روز سه شنبه 4 شهریور

**\*ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به بلاتکلیفی و افزایش قیمت با تجمع متقاضیان مسکن ملی استان چهارمحال و بختیاری مقابل اداره کل راه و شهرسازی برای چندمین بار**

تصاویر منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 4 شهریور، از ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به بلاتکلیفی و افزایش قیمت با تجمع متقاضیان مسکن ملی استان چهارمحال و بختیاری مقابل اداره کل راه و شهرسازی برای چندمین بار، خبر می‌دهند.



\*تجمع اعتراضی جمعی از اهالی بلوار امیرکبیر شوشترنسبت به عدم اجرای پروژه فاضلاب شهری مقابل اداره آب و فاضلاب

روز سه شنبه 4 شهریور، جمعی از اهالی بلوار امیرکبیر شوشتربرای اعتراض به عدم اجرای پروژه فاضلاب شهری مقابل اداره آب و فاضلاب این شهرستان در استان خوزستان تجمع کردند.



#### **\*دومین روز اعتراض مالباختگان گلباران دزفول در تهران باتجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، از دومین روز اعتراض مالباختگان گلباران دزفول در تهران باتجمع روز سه شنبه 4 شهریور مقابل ساختمان قوه قضائیه خبری می دهد.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات مالباختگان گلباران دزفول با تجمع مقابل بیت خامنه ای در تهران با شعارهای «این نقشه ها تکراری مفسد خودش سپاهیه»، «تاحق خود نگیریم از پا نمی نشنیم» و... .

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، از ادامه اعتراضات مالباختگان گلباران دزفول با تجمع روز دوشنبه 3 شهریور مقابل بیت خامنه ای در تهران با شعارهای «این نقشه ها تکراری مفسد خودش سپاهیه»، «تاحق خود نگیریم از پا نمی نشنیم» و...، خبر می دهد.

#### **\*دومین روز تجمع اعتراضی مال باختگان پروژه مسکن حکیم در تهران**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، حاکی از تجمع اعتراضی روز سه شنبه 4 شهریور مال باختگان پروژه مسکن حکیم در تهران برای دومین روز متوالی می باشد.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات مال باختگان پروژه مسکن حکیم با راهپیمایی وتجمع مقابل دادگستری تهران برای چندمین بار

فیلم های منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 3 شهریور، از ادامه اعتراضات مال باختگان پروژه مسکن حکیم با راهپیمایی وتجمع مقابل دادگستری تهران برای چندمین بار، خبر می دهند.

## \*تجمع اعتراضی خریداران شرکت معین خودرو خودرو نسبت به بلاتکلیفی وعدم تحویل خودروهایشان مقابل وزارت صمت

تصویر منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 4 شهریور، از تجمع اعتراضی خریداران شرکت معین خودرو خودرو نسبت به بلاتکلیفی وعدم تحویل خودروهایشان مقابل وزارت صمت، خبر می دهد.



## \*تجمع اعتراضی جمعی از ثبت نام کنندگان خودرو تیوولی شرکت رامک خودرو نسبت به بلاتکلیفی 8 ساله وعدم تحویل خودروهایشان

تصویر منتشره در شبکه های اجتماعی، از تجمع اعتراضی روز دوشنبه 3 شهریور جمعی از ثبت نام کنندگان خودرو تیوولی شرکت رامک خودرو نسبت به بلاتکلیفی 8 ساله وعدم تحویل خودروهایشان، خبر می دهد.



\*تجمع اعتراضی خریداران شرکت کوشا خودرو نسبت به بلا تکلیفی و عدم تحویل خودروهایشان

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 4 شهریور، حاکی از تجمع اعتراضی خریدارن شرکت کوشا خودروسبت به بلاتکلیفی و عدم تحویل خودروهایشان، می باشد.

### **\*کانون نویسندگان ایران:**

بازداشت احسان رستمی، مرجان اردشیرزاده، حسن توزندهجانی، رامین رستمی و نیما مهدی زادگان پنج تن از فعالان فرهنگی ساکن تهران روز چهارشنبه ۲۹ مردادماه بازداشت شده اند.

ماموران امنیتی با هجوم به خانه های احسان رستمی، مرجان اردشیرزاده، حسن توزندهجانی، رامین رستمی و نیما مهدی زادگان آنان را بازداشت کرده و به مکان نامعلومی برده اند. این افراد تا کنون از هرگونه تماس با خانواده های خود محروم بوده اند و کماکان از محل نگهداری آنان اطلاعی در دست نیست. تلاش خانواده ها برای اطلاع از وضعیت سلامتی آنان نیز بی نتیجه مانده و بر نگرانی ها افزوده است.

احسان رستمی، ناشر، مترجم و کتابفروش، مرجان اردشیرزاده، مترجم و حسن توزندهجانی شاعر و فعال فرهنگی است. رامین رستمی و نیما مهدی زادگان نیز در زمینه ی نشر و کتاب فعالیت می کنند.

### **\*جان باختن یک کارگر شرکت درریز پالایشگاه جنوبی بر اثر سقوط از ارتفاع**

روز دوشنبه 3 شهریور، یک کارگر داربست بند بنام رضایی بابا احمدی حین کار روی کولینگ تاور بدلیل شکسته شدن تخته زیر پایش و سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)